

پیروزی واقعی

۴۹- ومنهم من يقول ائذنت لي ولا تفتني الا في الفتنة سقطوا
وان جهنم لمحيطه بالكافرين
برخی از آنها میگویند: بمن اجازه بده و مرا در فتنه (بلا و مصیبت
جنگ) مینداز؛ آگاه باش در بلا و محنت افتاده اند، دوزخ
فراگیر کافران است.

۵۰- ان تصيبك حسنة تؤهمهم وان تصيبك مصيبة يقولوا
قد اخذنا امرنا من قبل ويتولوا وهم فرحون .
اگر حادثه‌ی خوش بتو رسد آنها را غمگین میسازد و اگر ترا
مصیبتی برسد گویند: ما کار خودمان (احتیاط و عدم شرکت در
جهاد) را قبلاً انجام داده‌ایم و شادمان برمیگردند.

۵۱- قل لن يصيبنا الا ما كتب الله لنا هو مولينا و على الله
فليتوكل المؤمنون .
بگو: جز آنچه خدا برای ما مقدر فرموده چیزی بمانمیرسد
و او ولی ما است و مؤمنان باید بخدا توکل کنند.

۵۲- قل هل ترصون بنا الا احدى الحسينين ونحن نترص
بكم ان يصيبكم الله بعذاب من عنده او يادينا فترصوا انا
معكم مترصون .

بگو درباره‌ما جز وقوع یکی از دویکی، چیز دیگری را
انتظار نمیبرید؛ ولی ما درباره‌ شما انتظار داریم که عذایی از جانب
خدا و یا بدست ما بشما برسد؛ پس در انتظار (عذاب) باشید؛ که
مانیز در انتظار بر میبریم.

کسانیکه در نبردها و مبارزه های خود محرک معنوی دارند ، و جنگ و ستیزه آنها برای خداست ، و از روی ایمان به هدف ، دست بسلاح میزنند و بمنظور جلب رضاء خدا ؛ و نیل بدرجات بزرگ سرای دیگر مبارزه می کنند یک چنین افراد ، همواره غالب و پیروزند ، خواه بکشند ، و یا کشته شوند ؛ خواه بر حسب ظاهر جناح مخالف را از منحنه روزگار بردارند ، و یا نیروی مخالف آنها را از زندگی ساقط کند ؛ و بیهیات دنیوی آنها خاتمه دهد ، در قاموس زندگی چنین افراد هرگز لفظ مغلوب شدن و شکست خوردن وجود ندارد .

این گروه با این هدف معتقدند که هر گاه فتح و پیشروی ظاهری نصیب ما نگردد ، نائل بآرمان خود در این مبارزه (نشر حقایق اسلام در میان بشر) نکرديم ، یک زندگی جاویدانی ، سراسر سعادت در انتظار ما است ؛ و اگر کشته شویم ، فقط زندگی دنیوی و مادی خود را از دست میدهم ؛ و اولین فصل سعادت بخش زندگی اخروی شروع میشود .

این منطق و طرز تفکر را پیامبران آسمانی با آنها تعلیم نموده و شالوده دعوت تمام معلمان الهی برای جهاد و مبارزه در راه توحید و نشر فضائل ؛ و از بین بردن اخلاق پست ، همین است و در آیاتیکه در پیرامون جهاد وارد شده ؛ این مطلب کاملاً محسوس و روشن است از آن جمله آیه زیر است :

ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله فيقتلون و يقتلون و عدا عليه حقاً . في التوراة و الانجيل و القرآن و من اوفى بعهده من الله فاستبشر و ابیعکم الذی بايعتم به و ذلك هو الفوز العظيم . (توبه - ۱۱۱) : خدا از مؤمنان جانها و مالهايشان را در برابر بهشت خریده است ، آنان در راه خدا جنگ میکنند ، میکشند ؛ و کشته میشوند ؛ و بهشت يك وعده محققى است که در تورات و انجيل و قرآن با آنها داده شده است ، و چه کسی است که از خدا به پیمان خود وفادار تر باشد ؛ و این است کامیابی بزرگ .

توضیح آیات فوقی

آیه پنجاه متضمن گفتار و تصور خام منافقان است ، و دو آیه بعدی در حقیقت بمنزله پاسخ و ابطال گمان آنها میباشد ؛ از آنجا که منافقان در باطن ، دشمنان اسلام بودند ؛ و از ترس تظاهر باسلام مینمودند ، از این جهت پیروزی مسلمین در جبهه های جنگ ، آنها را غمگین میساخت ، و از لطمه و خسارتهائی که بر مسلمانها وارد می شد بسیار مسرور و یکشفتند و این مطلب از لابلای سخنان ، و نگاه های مرموز آنها هویدا میگشت

و مقصود از جمله یقولوا قد اخذنا امرنا من قبل ؛ میگویند ما احتیاط خود را کرده ایم ؛ اینست

که ما بوسیله ترگ جهاد ؛ وماندن در مدینه، احتیاط و پیش بینی خود را کرده ایم ؛ احتمال دارد ، که منظور این باشد که از آنجا که مشرکین عرب میدانند که ما با آنها همراز هستیم و اسلام ما جز تظاهر چیز دیگری نیست ؛ - لذا اگر آنها پیرو شوند؛ حزب منافق از خطرات جانی و مالی مصون خواهند ماند ، و مقصود از جمله : **قد اخذنا امرنا** : ما احتیاط خود را کرده ایم ؛ اینست که ما بگوش مشرکین هماهنگی خود را از صمیم دل رسانیده ایم.

پاسخ قرآن در این باره

قرآن در مقابل پندار بوج آنها بدو پاسخ اشاره مینماید:

اول : ابتداء يك قانون کلی ؛ و ناموس عمومی غیر قابل تنبیر را بسع جهانیان ، و بالاخص حزب منافق میرساند و آن اینکه ، جمله حوادث و جریانهای کوچک و بزرگ ، در تمام زمانها و دورانها ؛ در میان عموم ملل بخواست خدا و اراده قطعی و حتمی او انجام میگردد، نظام موجودات از مظاهر برجسته ای آن گرفته مانند کهکشان ، تا برسد بریز ترین مظهر هستی در قبضه اراده و خواست او است ؛ فتح و پیروزی ؛ مغلوبیت و عقب نشینی ، جنگی در دست او است ؛ تا او نخواهد یکی غالب ، و دیگری مغلوب نمیکردد ؛ و اینکه شما منافقان همواره سرکشگی و سقوط ما را میخواهید کوچکترین تأثیری در وضع ما نخواهد داشت ؛ باید دید خدا درباره ما چه خواسته ؛ و سرنوشت ما در قضا الهی چیست؟

و آیه پنجاه و یکم اشاره بهمین مطلب است : **قل لن یصیبنا الا ما کتب الله لنا** ؛ بگو جز آنچه خدا در حق ما مقدر نموده ؛ چیز دیگری به ما نخواهد رسید ، پس علت این مطلب را با جمله : **هو مولینا** ؛ یعنی خدا ولی مطلق ماست ، و درباره ما بهر گونه تصرف از خود ما اولی است. و ما هم بفریاد اعتماد نداریم بیان میفرماید.

و در برخی از آیهها این ناموس کلی را بعبارت دیگر فرموده و آن اینکه ؛ تمام حوادث این جهان پیش از آنکه جامه عمل بخود ببوشد ، محدود و آن در کتابی معین شده است چنانکه میفرماید : **ما اصاب من مصیبة فی الارض و لافی انفسکم الا فی کتاب من قبل ان نبرأها ان ذلک علی الله یسر (حدید : ۲۲)** هیچ مصیبتی در زمین و نفوس شما رخ ننمید مگر اینکه پیش از آنکه آنرا بوجود آوریم ، در نامه ای (کتاب) مقدر نموده و این برای خدا آسان است. و آیه دیگر میفرماید : **ما اصاب من مصیبة الا باذن الله (تقابن : ۱۱)** تمام مصائب بخواست خدا انجام میگردد روی این اساس مؤمنان نباید برای خوشحالی و بدحالی دشمنان ارزش قائل شوند ؛ زیرا سرچشمه کار جای دگراست .

دوم : مطلبی است که آیه پنجاه و دوم متضمن بیان آنست و آن همانست که بعنوان پیش گفتار

بتوضیح آن پرداختیم و گفته شد که اساس تمام دعوت انبیا روی همان است و هرگز در قاموس انبیا لفظ مغلوبیت در کار نیست و همواره در انتظار یکی از دو مطلب ، یکی ازدونیکی (احدی الحسنین) هستند یا پیروزی ظاهری و نشر حقایق و اشاعه کلمه توحید و یا پیروزی باطنی و تحصیل رضاهای الهی ، و کسب درجات اخروی ؛ و زندگی همیشگی و دائمی .

مسلمانان معتقدند که همواره آنها پیروزونیک فرجام هستند و پیوسته یکی ازدونیکی در انتظار آنهاست ولی منافقان و کافران رایکی ازدو حادثه بدونا گوارتهدید میکنند یسا در این جهان بدست مؤمنان نابود میگرددند ؛ و یادرسرای دگر بسر نوشت سوء کردار خود میروند ، پس در حال فناء و شکست آنها قطعی است .

در پایان بتوضیح جمله ولاتفتنی که در آیه چهل و نهم وارد شده است میپردازیم : آنچه بنظر میرسد اینست که مقصود از فتنه در این آیه همان محنت و بلا و مصیبت است ، زیرا مسافرت در تابستان آنهم در نقاط گرمسیر و بی آب سراسر محنت است و بلا ؛ چنانکه خود منافقان بنا بتقل قرآن میگفتند : لاتنفروا فی الحر : در فصل گرما کوچ نکنید خدا در پاسخ اعتذار آنها مگوید : الا فی الفتنه سقطوا ؛ بلا بالاخره دامن گیر آنهاست ، و هر گاه از بلاهای دنیوی فرار کنند ، برای اخروی و محنتهای سرای دگر دامن گیر آنهاست .

بنا بر این جمله و آن جهنم لم حیطه بالكافرین ، بمنظور توضیح همین بلاها وارد شده است . احتمال دیگر اینکه جمله ولاتفتنی بمعنای : ما را گول زن و فریب مده ، و مغرور نساز باشد زیرا گویا پیامبر در تحریک مردم بجهاد سخن از غنائم نفیسه رومیان بمیان آورده بوده و از این راه آنان را تهییج می نموده است در چنین حالت برخی از منافقان به پیغمبر میگفتند و ارسول الله مارا بتوصیف غنائم فریب مده و قرآن در پاسخ آنها میفرماید الا فی الفتنه سقطوا ؛ بالاخره شما گول خورده اید ؛ و غرور کفر و ضلالت شماها را فرا گرفته است ، ولی احتمال نخستین در نظر ما صحیح تر و استوارتر است

پشت را میشکند!

قال رسول الله (ص) اربعة من قواصم الظهر : امام يعصى الله
ويطاع امره ، وزوجة يحفظها زوجها وهي تخونه ، وفقير لا يجد
صاحبه له مداويا ؛ و جارسو في دارمقام .

پیغمبر اکرم (ص) فرمود : چهار چیز پشت انسان را میشکند : پیشوائی
که مردم اطاعت فرمان او میکنند و او نافرمانی خدا میکند ، و همسری که شوهرش
در حفظ او میکوشد اما او بشوهرش خیانت میکند ، و فقر و تنگدستی که صاحب آن
راه علاجی برای آن نیابد ، و همسایه بد در خانه مسکونی همیشگی !